

تیرماه ۱۳۸۱ خورشیدی

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است.

بنام خداوند جان و خرد

شرایط بسیار حساس ایران، در این بحرانی ترین منطقه جهان، ایجاب می کند تا برای نجات کشور، بر قدرت نشستگان بخود آیند و به خواستهای ملت برای ایجاد دگرگونیهای بنیادین گردن نهند، جریانهای مشکوک برون مرزی نیز باید بدانند که ملت ایران و نیروهای ملی، با شناخت کامل از اوضاع حساس کشور، نیازی به نسخه های آنها ندارند.

می گردید و کار روزنامه نگارانی که روزگاری و سالها در تحکیم پایه های نظام فعال بوده اند و پس از آنکه بخود آمدند و خواستند در کنار مردم قرار گیرند و حفظ منافع ملی را بر وابستگی های گروهی و جاه و پول و موقعیت ترجیح دهند به کجا کشید شد. و بالاخره در نهایت تأسف احساس کردند که آرزوهایشان برادر فته است.

آنچه گفته شده واقعیت های تلخی بود که طی سالهای گذشته و تا به امروز با آنها روبرو بوده و هستیم. ولی اینهمه بدان معنی نیست که باید گوش به گفته های کسانی سپرد که با هزاران کیلومتر فاصله و دور بودن از فضای سنگین این سرزمین طی سالهای بعد از ۵۷، بخود حق تعیین تکلیف برای ملت ایران را می دهند. این ملت یکبار به روشنی حاصل یک دگرگونی و زیر و رو شدن همه جانبه را تجربه کرده است و بر شرایط شدت بحرانی امروز خود بخوبی آگاهی دارد، و می داند که برخی از بر قدرت نشستگان برآنند تا یکبار دیگر برای سوار شدن بر بحران و حفظ موقعیت خود کشور را در معرض خطر رودرویی برون مرزی قرار دهند. ملت می داند که شماری مزدوران در این سرزمین درصدد تحریک مردم در بخش هایی از کشور هستند. مردمی که به دلیل ضعف مدیریت، نبود برنامه حساب شده جامع نگر، سلطه یک گروه حکومتگر با دیدگاه ایدئولوژیک که حاصل آن تسلیم به این دولت است تا به درجه ای گشته، به شدت از اوضاع ناراضی هستند. ولی مهم اینست که این ملت تا به حال در طول تاریخ موجهای سهمگینی را از سر بدر کرده و همچنان بر روی پای خود ایستاده است. این ملت با تجربه هایی که بر او تحمیل کرده اند، امروز با درک آگاهانه از موقعیت خویش اجازه نمی دهد تا بار دیگر فاجعه تجزیه جدیدی را بر او تحمیل کنند. این ملت بر آنست تا با قطعیت ولی بردباری معقول، جناح قدرت طلب را وادار سازد که سرانجام با انجام یک همه پرسی به «استقرار حاکمیت ملی»، حکومت قانون، حفظ حرمت همه باشندگان این سرزمین، و از میان برداشته شدن ساختار شهروندی چند درجه ای و بالاخره گردن نهادن به جسمه ای آزاد و بسرکنار از سلطه حکومتگران مذهبی تن در دهنده. مجموعه ای که منجر به ایجاد شرایطی مناسب برای گام برداشتن در مسیر توسعه همه جانبه و شکوفایی اقتصادی و بالندگی و پویایی فرهنگی این سرزمین کهنسال آهورایی خواهد گشت. ■

دانشجویی صورت گرفته و بالاخره برخورد های پلیسی و نظامی گرانه غیر منتظره در کوچه و خیابان و همه جا، عامل موضع گیری شدید دانشجویان و جوانان در برابر جناح قدرت طلب گردیده است، تا جائیکه موج خفت بار فرار از کشور و پناهنده گی به هر جا که بشود ایجاد غیر منتظره ای به خود گرفته است. کم نیستند جوانانی که همراه زنان و کودکان خود همه زندگانشان را به حراج گزارده و برای زیستن در سرزمین های دیگر خود را بدست قاقاچیان رذل سپرده اند و در رودخانه ها و دریاها غرق شده اند. آنها بیشتر برای گریز از خفقان و فضای نفس گیر حاکم بر کشور و نبود فرصت پیشرفت دست به گریز می زنند و در سرزمین های بیگانه به بدترین و سنگین ترین و ناهنجارترین کارها تن در می دهند، بر این امید که روزی یک انسان و یک شهروند به حساب آورده شوند. جریان دوم خرداد و اصلاح طلبی می توانست نقطه امید پر جاذبه ای باشد، به ویژه آنکه نقش آفرینان اصلی و موتور آن حرکت را خود همین نیروهای جوان و دانشجویان تشکیل می دادند. آنها برای مدتی با توجه به سخنان شفاف و موضع گیریهای آقای رئیس جمهور به شور و شوق آمده بودند، آنان امید داشتند که شرایط برای دگرگونیهای اساسی در مسیر حفظ منافع ملی در حال فراهم آمدن است. ولی دریافتند که آقای خاتمی توان آن را ندارد که برابر بر قدرت نشستگان آن طور که آنها امید داشتند و ملت می خواست بایستند، حتی ایشان قادر نیستند ترکیب مدیریت کشور را در جهت حفظ منافع ملی تغییر دهند و مدیران و مشاوران کارزان و صاحب نظری را برگزینند تا با برنامه ریزیهای سنجیده، کشور را از بحران نجات بخشند. کارها با همان ابزارها و در چارچوب همان اندیشه هایی که جناح انحصار طرح ریزی کرده است کم و بیش ادامه دارد. آنها معتقد بودند رئیس جمهور که اداره کشور بر عهده او است و به موجب قانون اساسی مسئول امور داخلی و خارجی است، باید نیروهای انتظامی را که اصلی ترین ابزار حفظ امنیت داخلی کشور است در دست داشته باشد، ولی یکبار دیدند که فاجعه ۱۸ تیر ماه دانشگاه تهران، رویداد غم انگیز دانشگاه تبریز و سپس ماجراهای دردناک خرم آباد و دیگر شهرها، یکی از پس دیگری روی می دهد و قوه قضائیه نیز، که در اختیار جناح صاحب قدرت است، انچنان برخوردی با مسئله می کند که همه را حیرت زده می سازد. دیدند که ماجرای قتل های سیاسی زنجیره ای به کجا ختم

برخوردهای شدید با ما نیست. ما باور داریم که هر حرکت سنجیده و بدون شباخت و واقعیت ها، نمی تواند حاصلی مطلوب در جهت نجات کشور و فراهم ساختن شرایط لازم برای توسعه همه جانبه داشته باشد. نفرت مردم از رژیم گذشته و خیزش همگانی آنها سبب گردید تا در کشوری که چندین دهه زیر فشار سیستم سلطه قرار داشت و سازمانهای سیاسی ملی آن بشدت در تنگنا قرار داشتند، یکبار همه چیز در هم بریزد و در کوتاهترین زمان، قدرت در اختیار گروه و جریانی قرار گیرد که برای قدرت انحصاری خود فضا را بیش از پیش ببندد و دوباره خفقان را حاکم سازد. امروز در ایران دم از آزادی زده می شود ولی فقط بر قدرت نشستگانند که از آزادی برخوردارند. آنها می توانند از تریبون نماز جمعه گرفته تا شرکت در مراسم مختلف هر چه می خواهند بگویند و هر نسبتی را که می خواهند به آزاد اندیشان، اهل قلم و اندیشمندی که از سردرد و احساس مسئولیت سخن می گویند و می نویسند، بدهند، ناسزایشان گویند، تهمت زنند و تهدیدشان کنند. با این حال کم نیستند افرادی که از هر فرصتی برای نقد اوضاع و طرح نظریات خویش با قبول احضارها، بازجویی ها، تهدیدها، محاکمه ها و زندان رفتن ها، بهره می جویند تا هم گرد ناامیدی را از چهره جامعه بزدایند و هم زمینه را برای رشد جامعه مدنی و شکل گیری جریانهایی واقعی سازمانی ملی فراهم سازند. با وجود فشارهای شدیدی که بر نیروهای جوان دانشجویی وارد می شود، مدت هاست شاهد آنیم که در عمده شهرهای ایران، این نسل جوان آگاه به تکاپو افتاده و میکوشد تا با هر نام و امکانی که شده سازمانهایی را شکل بخشد و نشریاتی را برای پیام رسانی انتشار دهند. امروز با وجود کوشش های دو جناح در زمینه شکل دادن به تشکلهای سیاسی، اقبال نسل جوان و دانشجویان بیش از هر زمانی متوجه نگرش ملی و سازمانهایی است که طی بیش از نیم قرن در رود رویی با سلطه گران بیگانه و فشار و رژیم های خودکامه و فردی مخالف با مردم سالاری و حاکمیت ملی رود رو بوده اند. فشار و زندان و شکنجه نتوانسته است آنها را از ملی گرایی و تکیه بر فرهنگ ملی و هویت ایرانی دور سازد. روی گرداندن نسل جوان از جریانهایی انحصار طلب پدیده ایست که از چند ماه پس از انقلاب آغاز شد و با رشدی فزاینده همچنان ادامه دارد. روشهای خشنوتبار برخورد با جوانان و در تنگنا قراردادن آنها و یورش هایی که به تشکلهای

جبهه ملی ایران با وجود محدودیت های شدیدی که بر آن حاکم ساخته اند، به دلیل مسئولیت و رسالتی که در برابر ملت ایران دارد، از هر فرصتی بهره می جوید تا بتواند با صراحت لازم شرایط بحرانی کشور را در نشریه پیام جبهه ملی، اعلامیه ها و مصاحبه های با رسانه ها، با ملت ایران و نیز با بر قدرت نشستگان و جناحهای فعال سیاسی درون نظام در میان بگذارد، ملت را آگاهی دهد و حاکمان بر قدرت نشسته و وابستگان آنها را از ادامه روند رویارویی بیشتر با خواست مردم و مصالح ملی، پیش از آنکه همه چیز در هم بریزد، بر حذر بنارد. ما با صراحت بارها و بارها گفته ایم که با توجه به شرایط بسیار حساس و موقعیت ایران، عملکرد حاکمان ایران در طی دوران پس از رویداد مهم ۱۳۵۷، بر پایه تعریفی روشن از منافع ملی ایران نبوده است. در نتیجه، روز بروز شمار بیشتری از مردم و کسانی که نقش اساسی در سقوط رژیم گذشته و سپردن سکان بدست تشنگان کنونی قدرت بر عهده نداشته اند از بدنه نظام فاصله گرفته اند. بجز گروهی کم شمار که به نحاق به امکاناتی بسیار فراتر از صلاحیت و توانمندی های واقعی شان دست یافته اند، اکثریت عظیم ملت ایران را ناراضیانی تشکیل می دهند که ضمن برخورداری از نیروی لازم برای ایجاد دگرگونیها و به سامان در آوردن اوضاع، برای آنکه مقاومت انحصارطلبان موجبات آشفتگی کشور را فراهم نسازد تا بحال دندان بر جگر گزارده و فشارهای همه جانبه را تحمل کرده اند. بسیاری از این مردم به سازمانهای ملی شناخته شده و بویژه به جبهه ملی ایران، از اینکه معتقد به روند اصلاح طلبانه در مبارزات خود هستند خرده می گیرند و ما را مورد سؤال قرار می دهند که تا کی باید سکوت کنند و آرامش خود را حفظ نمایند. ما به خوبی آگاهیم که چگونه شماری از رسانه های برون مرزی مدت هاست می کوشند تا مردم را از امید بستن به حرکت اصلاح طلبانه ناامید سازند، و چاره کار را در یک حرکت تند می بینند. اما ما باور داریم که شرایط ویژه کشور و ناراضیانی های گسترده مردم و فقر فراگیر در سراسر ایران، میهن ما را در موقعیتی قرار داده است که یک خیزش عمومی می تواند شدت منافع ملی را با خطر مواجه سازد و سه اصل مهم یکپارچگی کشور، استقلال و همبستگی ملی را آسیب پذیر سازد. این اعتقاد ما زاینده فشار شدید نظام بر ما و وحشت از